

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه ۲

سطح ۲

درس ۳۶

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای جمالی

مقدمه

در گذشته به برخی از احکام عمومی روزه مانند تحقق افطار از روی اراده و اختیار، خصال سه گانه كفاره و کسی که در غروب آفتاب شک دارد و افطار می کند و ادله این مسائل اشاره شد.

در این درس به ادامه مباحث احکام عمومی روزه پرداخته می شود که عبارتند از:

الف) توضیح اقسام سه گانه كفارات روزه

ب) حکم کسی که توانایی انجام كفاره را ندارد.

ج) روزه داری که در طلوع فجر و یا غروب آفتاب تردید دارد و مفطرات را انجام می دهد.

متن عربى

٥. و اما التخيير فى خصال الكفارة فهو المشهور و قيل باعتبار الترتيب؛ و الاخبار على طوائف؛ و المهم منها اثنتان: احدهما: ما دل على التخيير، كصحيحة عبد الله بن سنان عن أبى عبد الله عليه السلام: «رجل أفطر فى شهر رمضان متعمدا يوما واحدا من غير عذر. قال: يعتق نسمة أو يصوم شهرين متتابعين أو يطعم ستين مسكينا، فإن لم يقدر تصدق بما يطيق»^١ و غيرها.

ثانيتها: صحيحة على بن جعفر فى كتابه عن أخيه موسى بن جعفر عليهما السلام: «سألته عن رجل نكح امرأته و هو صائم فى رمضان ماعليه؟ قال: عليه القضاء و عتق رقبة، فان لم يجد فصيام شهرين متتابعين، فإن لم يستطع فإطعام ستين مسكينا، فان لم يجد فليستغفر الله»^٢ و غيرها.

و الرواية صحيحة لأن الحر (صاحب وسايل) له طريق معتبر إلى جميع الكتب التى ينقل عنها ينتهى الى الشيخ و قد ذكره فى آخر الوسایل^٣؛ و من جملة تلك الكتب كتاب على بن جعفر؛ و حيث ان للشيخ فى الفهرست طريقا صحيحا اليه^٤ فتثبت صحة كل ما ينقله الحر، من كتاب على بن جعفر.

و يمكن الجمع - بعد تمامية سند كلتا الطائفتين - بحمل الثانية على الاستحباب بقريئة الاولى.

٦. و اما كفاية الاستغفار للعاجز فلذيل الصحيحة المتقدمة.

٧. و اما وجوبها مع التمكن المتأخر فلان الكفارة ليس لها وقت محدود ليكون وجوبها الجديد بعد الانتقال الى الاستغفار بحاجة الى دليل، بل يبقى دليل وجوبها ملاحقا للمكلف عند تمكنه.

٨. و اما ان الشاك فى طلوع الفجر يجوز له تناول المفطر فللاستصحاب الموضوعى.

٩. و اما ان عليه القضاء لو انكشف الطلوع فلانه لم يأت بالواجب و هو الامساك ما بين الحدين. والاصل السابق برفع الحكم التكليفى دون الوضعى.

هذا ما تقتضيه القاعدة، إلا ان موثقة سماعة: «سألته عن رجل أكل أو شرب بعد ما طلع الفجر فى شهر رمضان. قال: ان كان قام فنظر فلم ير الفجر فأكل ثم عاد فرأى الفجر فليتم صومه و لا إعادة عليه؛ و ان كان قام فأكل و شرب ثم نظر الى الفجر فرأى انه قد طلع الفجر فليتم صومه و يقض يوما آخر لأنه بدأ بالأكل قبل النظر فعليه الإعادة»^٥ فصلت بين المراعاة و عدمها؛ و لا يضر اضمارها بعد كون سماعة من اجلة الاصحاب الذين لا تليق بهم الرواية عن غير الامام عليه السلام.

١. وسائل الشيعة، باب ٨ من ابواب ما يمسك عنه الصائم، حديث ١.

٢. همان حديث ٩.

٣. على ما فى الفائدة الخامسة من الفوائد المذكورة فى آخر وسائل الشيعة، ٢٠ / ٤٩.

٤. على ما فى الفائدة الخامسة من الفوائد المذكورة فى آخر وسائل الشيعة، ٢٠ / ٣٩.

٥. وسايل الشيعة، باب ٤٤، من ابواب ما يمسك عنه الصائم، حديث ٣.

کفارہ

اگر شخص یکی از مبطلات روزه را عمداً انجام دهد باید کفارہ بدهد، حال آیا ترتیب بین موارد سه‌گانه کفارہ واجب است؟

مشهور فقها معتقدند که ترتیب واجب نیست. اما در مقابل، برخی قول به وجوب ترتیب کفارات را اختیار کرده‌اند. و منشا این اختلاف روایاتی است که در این باب وارد شده است.

روایت تخییر: روایت نخست صحیحہ عبد الله بن سنان از امام صادق علیه‌السلام است که بر تخییر دلالت می‌کند.
روایت ترتیب: روایت دوم صحیحہ‌ای است که علی بن جعفر در کتابش از امام موسی بن جعفر علیه‌السلام نقل کرده که دلالت بر ترتیب می‌کند.

از مجموع روایات بدست می‌آید که کفارہ دهنده مخیر است و ترتیب واجب نیست، اما بهتر این است که ترتیب را مراعات کند؛ یعنی نخست بنده آزاد کند و در مرحله بعد روزه بگیرد و در مرحله سوم شصت فقیر را اطعام کند.

بررسی سند دو روایت

روایات تخییر صحیح‌اند و از جهت سندی ضعیف نمی‌باشند.

روایت ترتیب نیز صحیح است. مصنف می‌فرماید: روایت صحیح است؛ زیرا صاحب وسایل الشیعه این روایت را از کتاب علی بن جعفر نقل می‌کند و در جلد پایانی وسایل الشیعه، اسناد خودش به کتاب‌ها را آورده است و این روایت به شیخ طوسی می‌رسد و تا این‌جا صحیح است و سند روایت از شیخ طوسی تا امام کاظم علیه‌السلام نیز صحیح است، زیرا طریق شیخ طوسی به کتاب علی بن جعفر طریق صحیحی است.

پس هم روایات مورد استناد مشهور معتبر است و هم روایت علی بن جعفر که ترتیب را نقل می‌کند معتبر است، لذا ناچاریم که به قاعده جمع بین روایات متعارض تمسک کنیم و قاعده در باب تعادل و تراجیح این است که آن دسته از روایات که بر ترتیب خصال کفارہ دلالت می‌کند بر استحباب حمل شود.

نکته: اگر کسی نمی‌تواند کفارات ثلاث را انجام بدهد و توانایی مالی و بدنی هم ندارد که امتثال کند، در ذیل روایات آمده است که استغفار کند.

در ذیل روایات آمده که اگر نمی‌تواند کفارہ بدهد، استغفار کند.

دسته اول: مکلف مخیر هست هر کدام از خصال سه‌گانه را انجام دهد، مانند صحیحہ عبدالله بن سنان.
روایات مثبت کفارہ
دسته دوم: مکلف باید به ترتیب هر کدام را که می‌تواند انجام دهد؛ عتق، صیام، اطعام؛ مانند صحیحہ علی بن جعفر.

تطبیق

۵. و اما التخییر فی خصال الکفارة فهو المشهور و قبل باعتبار الترتیب؛ و الاخبار علی طوائف؛ و المهم منها اثنتان:

۵- مستند این که مرتکب، در کفاره بین سه چیز مخیر است قول مشهور است و برخی قائلند باید ترتیب در پرداخت کفاره نیز رعایت شود. در این مورد روایات متعددی وجود دارد که دو روایت مهم هستند: احدهما: ما دل علی التخییر، کصحیحة عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام: «رجل أفطر فی شهر رمضان متعمدا یوما واحدا من غیر عذر. قال: یعتق نسمة^۱ أو یصوم شهرین متتابعین أو یطعم ستین مسکینا، فإن لم یقدر تصدق بما یطیق^۲ و غیرها.

قول اول، روایاتی است که بر تخییر دلالت دارند؛ مانند صحیحہ عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام: «مردی بدون هیچ عذری، در ماه رمضان یک روزه خود را افطار می کند؟ امام فرمود: یک برده را آزاد کند، یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد و یا شصت مسکین را اطعام دهد و اگر نمی تواند به هر مقدار که می تواند صدقه بدهد» و غیر این روایت.

ثانیها: صحیحہ علی بن جعفر فی کتابه عن أخیه موسی بن جعفر علیهما السلام: «سألته عن رجل نکح امرأته و هو صائم فی رمضان ما علیه؟ قال: علیه القضاء و عتق رقبة، فان لم یجد فصیام شهرین متتابعین، فإن لم یستطع فإطعام ستین مسکینا، فان لم یجد فلیستغفر الله^۳ و غیرها.

قول دوم، صحیحہ علی بن جعفر است در کتابش از برادرش امام موسی بن جعفر علیهما السلام: «از امام در مورد مردی که در ماه رمضان، در حالی که روزه است با زنش همبستر می شود، سؤال کردم: چه چیزی بر او واجب می شود؟ امام فرمود بر او قضا واجب می شود، علاوه بر آن برده ای را آزاد کند و اگر نمی تواند دو ماه متوالی روزه بگیرد و اگر آن را هم نمی تواند شصت مسکین را اطعام کند و اگر بازه هم نمی تواند، استغفار کند» و غیر این روایت.

و الروایة صحیحة لأن الحر (صاحب وسایل) له طریق معتبر إلى جميع الكتب التي ينقل عنها ینتهی الی الشیخ و قد ذکره فی آخر الوسایل؛^۴ و من جملة تلك الكتب کتاب علی بن جعفر؛ و حیث ان للشیخ فی الفهرست طریقا صحیحا الیه^۵ فتثبت صحة كل ما ينقله الحر، من کتاب علی بن جعفر.

روایت علی بن جعفر صحیح است، زیرا همه سندهای حر عاملی (صاحب وسائل) که از کتب نقل می کند صحیح هستند. و به شیخ طوسی منتهی می شود؛ حر عاملی در آخر کتاب «الوسائل» سندها را ذکر کرده است. یکی از

۱. نسمة: در لغت به معنای انسان است و برخی گفته اند که مراد هر صاحب روحی است «فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، ص ۵۳۰».

۲. وسائل الشیعة، باب ۸ من ابواب ما یمسک عنه الصائم، حدیث ۱.

۳. همان حدیث ۹.

۴. علی ما فی الفائدة الخامسة من الفوائد المذكورة فی آخر وسائل الشیعة، ۴۹ / ۲۰.

۵. علی ما فی الفائدة الخامسة من الفوائد المذكورة فی آخر وسائل الشیعة، ۳۹ / ۲۰.

کتاب‌ها کتاب علی بن جعفر است؛ در حالی که شیخ طوسی، خود در کتاب «الفهرست» می‌فرماید، سند صحیحی تا علی بن جعفر دارد. پس صحت هر آنچه که شیخ حر عاملی از کتاب علی بن جعفر نقل می‌کند، ثابت می‌شود.^۱ و يمكن الجمع - بعد تمامية سند كلنا الطائفتين - بحمل الثانية على الاستحباب بقرينة الاولى. ممکن است بین دو روایت جمع کرد- البته بعد از این که ثابت شود سند هر دو روایت صحیح است- به این که دومی، به قرینه اولی بر استحباب حمل شود.

۶. و اما كفاية الاستغفار للعاجز فلذيل الصحيحة المتقدمة.

برای کسی که نمی‌تواند قضا و کفاره بدهد کافی است استغفار کند، دلیل آن ذیل روایت گذشته می‌باشد.

SCO۱ : ۱۴:۴۵

کفاره متأخر

اگر شخص توانایی مالی و جسمی نداشت و استغفار کرد، اما بعد از مدتی توانایی مالی پیدا کرد، کفاره بر او واجب می‌شود؛ زیرا این کفاره بر ذمه فرد ثابت شده است و مجبور به زمان خاصی هم نشده است و از آن جا که در آن زمان، شخص توانایی مالی و بدنی نداشت استغفار کرده است اما حالا که توانایی دارد باید جبران کند. وجوب کفاره بعد از استغفار به دلیل دیگری نیاز ندارد تا وجوبش را ثابت نماید، بلکه همان دلیل نخست که بر انجام کفاره دلالت می‌کرد، وجوب کفاره را عند التمكن ثابت می‌نماید.

جواز دلیل افطار هنگام شک در دخول وقت صبح

اگر کسی شک دارد که اذان صبح شده مانعی ندارد که مفطرات را انجام دهد؛ زیرا نسبت به گذشته یقین دارد که وقت داخل نشده بود و نسبت به الان هم شک دارد که وقت داخل شده است، لذا ارکان استصحاب کامل است و استصحاب عدم دخول وقت جاری می‌شود.

اما سؤال این است که اگر بعداً روشن شد که اذان شده بود و شخص در واقع بعد از اذان افطار کرده است، در این جا لازم است که روزه‌اش را قضا کند، به دلیل این که آنچه که بر شخص واجب بوده، امساک و اجتناب از مفطرات بوده است و مکلف به این تکلیف عمل نکرده است و بعد اذان صبح افطار کرده است و استصحاب نمی‌تواند روزه شخص را تصحیح کند؛ زیرا روایات می‌گویند روزه وقتی صحیح است که از مفطرات اجتناب کند و این عنوان در این جا صدق نمی‌کند؛ زیرا شخص مرتکب مفطرات شده است و باید قضای آن روز را بجا آورد اما از آن جا که بر اساس استصحاب عمل کرده است، معصیتی مرتکب نشده است و حرمت متوجه او نمی‌شود و کفاره نیز بر ذمه او نمی‌آید.

۱. شیخ حر عاملی از شیخ طوسی نقل می‌کند از علی بن جعفر نقل می‌کند، پس اگر شیخ حر عاملی مستقیماً از علی بن جعفر نقل کند، نقل کردن او صحیح است.

۲. استصحاب: استصحاب در اصطلاح اصولیین عبارت از حکم ببقاء چیزیست که وجود فعلی آن مشکوک می‌باشد و حال آن که وجودش در سابق محقق بوده است. استصحاب بنا بر یک تقسیم بر دو قسم است: ۱- استصحاب حکمی: و آن در موردی است که حکمی برای موضوعی محقق بوده و اکنون تردید در بقاء حکم سابق برای همان موضوع بشود «حقوق مدنی (امامی)؛ مقدمه ج ۲، ص: ۳۸».

نکته: روایت مضمراهی از سماعه هست، اما از آنجا که سماعه مورد تایید است و از غیر معصوم نقل نمی‌کند به دست می‌آید که در واقع این روایت موثقه‌ای از سماعه است و مضمون آن این است که اگر شخص بررسی و تحقیق کرد و متوجه شد که اذان صبح نشده است، پس افطار کرده و بعداً مشخص شد که وقت داخل شده بود، در این جا کفاره لازم نیست، اما اگر بدون تحقیق افطار کرده باشد، قضا بر ذمه او می‌آید.

ادله برخی از احکام

اسغفار برای کسی که تمکن از کفاره ندارد، صحیحه علی بن جعفر است.

این که بعد از تمکن باید کفاره را انجام دهد، همان دلیل بر وجوب کفاره است.

کسی در عین این که شک به طلوع فجر دارد مفطر را انجام می‌دهد و روزه اش صحیح است، موثقه سماعه است.

تطبیق

۷. و اما وجوبها مع التمکن المتأخر فلان الکفارة لیس لها وقت محدود لیکون وجوبها الجدید بعد الانتقال الی الاستغفار بحاجة الی دلیل، بل ینی دلیل وجوبها ملاحقا للمکلف عند تمکنه.

و اما وجوب کفاره بر کسی که بعد از عجز از کفاره، قدرت بر آن پیدا کرد، چون کفاره وقت محدود ندارد و نمی‌توان گفت که وجوب جدید کفاره بعد از استغفار، به دلیل نیاز دارد، بلکه وجوب کفاره همراه مکلف باقی می‌ماند تا این که بتواند آن را انجام دهد.

۸. و اما ان الشاکّ فی طلوع الفجر یجوز له تناول المفطر فللاستصحاب الموضوعی.

اما این که کسی در تحقق فجر شک کند، می‌تواند مبطلات را انجام دهد، دلیل آن استصحاب موضوعی^۱ است.

۹. و اما ان علیه القضاء لو انکشف الطلوع فلانه لم یأت بالواجب و هو الامساک ما بین الحدین. والاصل السابق برفع الحکم التکلیفی دون الوضعی.

و اگر برای روزه دار مشخص شد که فجر طلوع کرده، بر او واجب است قضا کند، چرا که این شخص، واجب را انجام نداده، واجب امساک بین فجر و غروب است. اصل استصحاب نیز فقط حرمت تکلیفی را رفع می‌کند و بطلان روزه را که از احکام وضعی است رفع نمی‌کند.

^۱. استصحاب موضوعی: استصحاب موضوعی در موردی است که تردید در حکم، باعتبار تردید در بقاء موضوع باشد؛ بدین معنی که چنانچه بقاء موضوع محقق می‌بود تردید در حکم نمی‌شد، مثلاً در موردی که کسی در شهری بوده که پس از بمباران شدید به دست دشمن افتاده است و تردید شود که شخص مزبور کشته شده و یا نمیتواند در اثر اسارت یا مقطوع بودن روابط شهر مزبور با خارج، به شهر خود بیاید یا خبری بدهد، حیات سابق او استصحاب می‌شود. « حقوق مدنی (امامی)؛ مقدمه ج ۲، ص: ۳۸ ».

^۲. استصحاب موضوعی یعنی این که قبلاً یقین داشتیم که فجر نشده، الان شک کردیم، پس فجر نشده است. در استصحاب موضوعی، موضوع را استصحاب می‌کنیم ولی در استصحاب حکمی، حکم را استصحاب می‌کنیم مانند استصحاب وجوب صلاة.

هذا ما تقتضيه القاعدة، إلّا ان موثقة سماعة: «سألته عن رجل أكل أو شرب بعد ما طلع الفجر في شهر رمضان. قال: ان كان قام فنظر فلم ير الفجر فأكل ثم عاد فرأى الفجر فليتم صومه و لا إعادة عليه؛ و ان كان قام فأكل و شرب ثم نظر الى الفجر فرأى انه قد طلع الفجر فليتم صومه و يقض يوما آخر لأنه بدأ بالأكل قبل النظر فعليه الإعادة»^۱ فصلت بين المراعاة و عدمها.

این حکم طبق مقتضی قاعده (یعنی استصحاب بر حکم تکلیفی دلالت می‌کند نه وصفی) است، اما در مقابل آن، روایت سماعه وجود دارد: «از امام سؤال کردم در مورد مردی که در ماه رمضان، بعد از فجر می‌خورد و می‌نوشد، فرمود: اگر مرد در تحقق فجر تحقیق کرد و فجر را ندید غذا خورد، پس اگر فجر را دید، روزه‌اش را کامل می‌کند و اعاده لازم نیست، ولی اگر غذا خورد و بعد تحقیق کرد و فجر را دید روزه‌اش را کامل می‌کند و قضای آن را بجا می‌آورد، چرا که این شخص، قبل از آن‌که تحقیق کند، غذا خورده، لذا بر او اعاده واجب است» در این روایت نیز بین شخصی که تحقیق می‌کند و شخصی که تحقیق نمی‌کند تفصیل داده شده است.

و لا يضر اضرارها بعد كون سماعة من اجلة الاصحاب الذين لا تليق بهم الرواية عن غير الامام عليه السلام. مضمّر بودن روایت، به دلالت آن ضرر نمی‌رساند، چون سماعه از بزرگان بوده و شایسته نیست از غیر امام نقل کند.

SCO۲: ۲۶ :۳

^۱. وسایل الشیعة، باب ۴۴، من ابواب ما یمسک عنه الصائم، حدیث ۳.

چکیده

۱. مشهور معتقدند که بین موارد سه‌گانه کفاره تخییر وجود دارد، و برخی معتقداند که بین کفاره‌ها ترتیب واجب است.
۲. روایاتی که در باب کفاره وارد شده است بر دو گونه است: مقتضای بعضی روایات تخییر و مقتضای بعضی دیگر ترتیب است و جمع بین این روایات به این است که دسته دوم را حمل بر استحباب کنیم.
۳. مستند کفایت استغفار در صورت عجز از کفاره، صحیحه عبد الله بن سنان از امام صادق علیه‌السلام است.
۴. کسی که بجای کفاره استغفار کرده است، اگر بعداً تمکن مالی یا بدنی به دست آورد باید کفاره را انجام دهد، زیرا زمان کفاره محدود نیست و هر زمان که تمکن حاصل شد، دلیل وجوب کفاره دلالت بر وجوب کفاره می‌نماید.
۵. کسی که نسبت به طلوع فجر شک دارد می‌تواند مفطرات را انجام دهد و اگر بعداً مشخص شد که فجر داخل شده بوده، فقط قضا لازم است و حرامی را مرتکب نشده است؛ زیرا این شخص مقدار واجب را که امساک از طلوع تا غروب آفتاب باشد ترک کرده است.
۶. در مورد فوق، موثقه سماعه می‌گوید که شاک در طلوع آفتاب باید تحقیق کند و اگر با تحقیق افطار کرده است، اعاده بر او لازم نیست.